

IVERS

فلاخن ۱۰۴

در دانشگاه‌های ترکیه

کودتا

مهرداد امامی

فلاخن

شماره ۱۰۴

کودکان در دانشگاههای ترکیه

مهرداد امامی

منابع

۱. در سال ۲۰۱۵-۲۰۱۶ در ترکیه آخرین سری از مذاکرات موسوم به «فرآیند صلح» میان دولت اردوغان و نیروهای پکک به میانجی‌گری حزب دموکراتیک خلق‌ها (HDP) در جریان بود که نهایتاً به شکست منجر شد. هر یک از طرفین دیگری را مسئول این شکست در مذاکرات دانستند. دولت اردوغان به بهانه‌ی تسلیم نشدن چریک‌های پکک و ترک سلاح نکردن آن‌ها و نیز انجام چند عملیات جسته‌گریخته به دست آن‌ها علیه نیروهای پلیس و ارتش ترکیه، مجموعه‌ای از عملیات نظامی را تحت عنوان «عملیات خندق» در پیش گرفت که عملاً منجر به ازسرگیری درگیری‌ها بین دولت ترکیه و چریک‌های پکک شد. در آن روزها که کانتون کوبانی هم به لطف دولت ترکیه و سایر نیروهای امپریالیست تحت محاصره‌ی داعش درآمده بود و اردوغان مرزهای ترکیه را به روی نیروهای کُرد بسته و به روی جهادیان داعشی گشوده بود، قتل‌عام سوروچ هم به وقوع پیوست و ۳۴ نفر از شاخه‌ی جوانان «حزب سوسیالیست ستم‌دیدگان»^۱ که قصد عزیمت به کوبانی را داشتند، به قتل رسیدند.

اعلام حکومت نظامی و قوانین منع آمد و شد در بعضی از مناطق کردنشین یک‌بار دیگر نشان داد که دولت ترکیه نه تنها هیچ عزم راسخی برای به نتیجه رساندن مسئله‌ی کُردها ندارد بلکه به دنبال بهانه‌ای است تا مناطق کردنشین را از جمعیت کُرد تخلیه کرده و آن‌ها را تبدیل به صحنه‌ی جنگ دائم خود با چریک‌های پکک کند.

1- Ezilenlerin Sosyalist Partisi

در چهارچوب این تحولات، جمعی از اساتید دانشگاه‌های ترکیه به همراه چهره‌های مطرح بین‌المللی مثل نوآم چامسکی، دیوید هاروی، اتی‌ین بالیبار، جودیت باتلر و امانوئل والرشتاین بیانیه‌ای را منتشر کردند به نام «بیانیه‌ی آکادمیسین‌های طرفدار صلح».^۲ امضاکنندگان این بیانیه خاستار پایان یافتن قوانین منع آمد و شد در شهرهای کردنشین و خاتمه یافتن خشونت شدند. آن‌ها همچنین تأکید کردند که دولت ترکیه در مناطق کردنشین دست به کشتار مردمان بی‌دفاع زده و آن‌ها یعنی اساتید دانشگاه در برابر این ستم خاموش نمی‌مانند و با خاموشی خود شریک این جرم و جنایت نمی‌شوند. این بیانیه در تاریخ ۱۱ ژانویه‌ی ۲۰۱۶ با امضای ۱۱۲۸ آکادمیسین منتشر شد. ظرف یک هفته تعداد امضاها از جانب سایر اساتید دانشگاه به عدد ۲۲۱۲ رسید. پس از انتشار بیانیه موج حملات و اتهام‌افکنی‌ها از جانب دولت اردوغان و رسانه‌های وابسته به آن شروع شد. طولی نکشید که علیه بخش عمده‌ای از اساتید امضاکننده دعاوی حقوقی مطرح شد و از دانشگاه اخراج شدند. در تصفیه‌های پس از به‌اصطلاح کودتای نافرجام ۲۰۱۶، مجدداً دولت اردوغان که این بار «فلّه‌ای» تصمیم به تصفیه‌ی کارمندان بخش عمومی گرفته بود، به سراغ اساتید امضاکننده رفت و از طریق «احکام حکومتی»^۳ باقیمانده‌ی آن‌ها را نیز از دانشگاه اخراج کرد. به طور مثال تنها از دانشکده‌ی علوم سیاسی و حقوق دانشگاه آنکارا، معروف به «مکتب مُلکیه» (Mülkiye) ۲۳ آکادمیسین اخراج شدند.

۲. در ترکیه دانشگاه‌های بزرگ تاریخاً خودمختار بوده‌اند. این خودمختاری نیز عملاً به واسطه‌ی مقاومت در برابر فرامین حکومتی و برخورداری از حد زیادی اختیارعمل در رابطه با سازوکارهای جذب و اخراج اساتید دانشگاه تحقق یافته است. به طور مثال، در دانشگاه‌هایی که رؤسای آن از دست‌نشانده‌های حزب حاکم هستند اردوغان به محض نارضایتی از اساتید یا دانشجویان با دستور به رییس دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها اوامر خود را ظرف مدت‌زمان اندکی به کرسی می‌نشانند. اما در مورد دانشگاه‌های خودمختار قضیه به همین سادگی نیست. آن‌ها معمولاً تن به اوامر حزب حاکم نمی‌دهند و به‌طور مثال اگر اردوغان بخواهد استادی از اساتید آن‌ها را اخراج کند مجبور است به صورت قانونی و با طرح دعاوی قضایی و استفاده از قدرت نهادی «احکام حکومتی» به هدف خود برسد. در غیر این صورت اوامر او به شخص رییس دانشگاه یا دانشکده مبنی بر ایجاد تغییر مورد نظر وی راه به جایی نمی‌برند. علاوه بر این، سه دانشگاه اصلی و خودمختار ترکیه، دانشکده‌ی علوم سیاسی و حقوق دانشگاه آنکارا معروف به «مکتب مُلکیه»، «دانشگاه فنی خاورمیانه» و «دانشگاه بوغازی‌چی» همواره صحنه‌ی مبارزات

2- Ezilenlerin Sosyalist Partisi

3- Ezilenlerin Sosyalist Partisi

دانشجویان در کنار سایر مبارزات مردمی در دوران‌های گوناگون بوده‌اند. دانشگاه آنکارا به‌ویژه «مکتب مُلکیه» که شخصیت‌ها و انقلابی‌های بزرگی از جمله ماهر چایان، عبدالله اوجالان، صلاح‌الدین دمیرتاش، جمال ثریا، جان دوندار و حتی مقامات دولتی معاصر از قبیل مسعود ییلماز، دنیز بایکال و اردال اینونو از فارغ‌التحصیلان آن هستند، در کنار «دانشگاه فنی خاورمیانه» در آنکارا از پایگاه‌های آکادمیک جریان‌ات چپ ترکیه محسوب می‌شوند. دانشگاه بوغازی‌چی هم در طیف آکادمی‌های لیبرال قرار می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که چپ‌گرایان نیز در این دانشگاه حضور دارند اما قدرت تاریخی آن‌ها به زمانی برمی‌گردد که انقلابی‌هایی مثل دنیز گزمیش در آن‌جا تحصیل می‌کردند و آکسیون‌های اِشغال دانشگاه فراگیر بود. به بیان دیگر، امروزه در ترکیه بخش عمده‌ای از دانشگاه‌ها در استیلای اسلام‌گرایان اردوغانی و شقوق مختلف ملی‌گرایان است و تنها چند جزیره‌ی خودمختار همانند موارد مذکور بین جریان‌های مخالف چپ و راست به حیات خود ادامه می‌دهند که آن‌ها هم به بهانه‌های گوناگون هر از گاهی از جانب دولت اردوغان مورد هجوم واقع می‌شوند و آکادمیسین‌ها و دانشجویان مخالف را دست‌گیر کرده، اخراج و یا به‌طور موقت و دائمی از حق تحصیل و ورود به دانشگاه محروم می‌کنند.

سال گذشته در همین روزها اساتید اخراجی «مکتب مُلکیه» و دانشجویان این دانشکده علیه اخراج‌های فله‌ای در «پردیس جه‌به‌جی» (Cebeci Kampüsü) دست به اعتراض زدند که در نتیجه نیروهای پلیس ضدشورش به همراه ماشین‌های زرهی وارد این پردیس شده و صحنه‌هایی را رقم زدند که به‌حق تنها در دوران کودتاهای پیشین ترکیه در دانشگاه‌ها دیده می‌شد. نگارنده خود در این درگیری‌ها حضور داشته و به‌عینه شاهد حملات پلیس ضدشورش داخل پردیس دانشگاه، استفاده‌ی آن‌ها از گاز اشک‌آور در داخل سالن‌ها و حیاط، ضرب‌وشتم دانشجویان، استفاده از سگ پلیس برای ترساندن معترضان و عبور پلیس از روی «قبای اساتید» بوده که اهمیتی نمادین برای «مکتب مُلکیه» دارد.

تعداد اخراجی‌های دانشگاه آنکارا و به‌طور مثال رشته‌ی تئاتر به حدی بود که پس از آن فعالیت این رشته به حال تعلیق درآمد چرا که تعداد اساتید از حد نصاب کافی برای تدریس و حضور در کلاس‌های درس کم‌تر و عملاً فعالیت این رشته‌ی دانشگاهی متوقف شد.^۴ مثال دیگر، وضعیت دانشکده‌ی علوم سیاسی دانشگاه آنکاراست. پس از اخراج اساتید این رشته، بخش عمده‌ای از تزه‌های فوق‌لیسانس و دکترا که تا پیش از آن یکی از اساتید اخراجی «استاد راهنما»ی آن‌تر بود، پا در هوا ماندند و نهایتاً بالاچار میان اساتید باقیمانده تقسیم شدند. فکرش را بکنید اساتیدی که معمولاً در سال مسئولیت چهار یا پنج تز فوق‌لیسانس و یک یا دو تز دکترا را بر عهده می‌گیرند، به

یک‌باره مجبور می‌شوند روی‌هم‌رفته مسئولیت ۲۰ تا ۳۰٪ مختلف را متقبل شوند زیرا در غیر این صورت امکان فارغ‌التحصیلی دانشجویان وجود نخواهد داشت و به تبع امکان جذب دانشجویان جدید هم نامیسر خواهد شد. بدین ترتیب بود که دولت اردوغان در واقع امر توانست یکی از پایگاه‌های مخالفت دانشگاهی را که تاریخش حتی مقدم بر جمهوری ترکیه است، نابود کند. «مکتب مُلکیه» از یک‌سو به دلیل اخراج اساتید عمدتاً چپ‌گرای «طرفدار صلح» و از سوی دیگر به سبب اختلال در سیستم آموزشی این روزها تنها حیاتی نباتی دارد و بخش عمده‌ای از بالقوگی‌های اعتراضی خود را از دست داده است، یا به بیان بهتر، بالقوگی‌هایش را بالاجبار تخلیه کرده‌اند. مرگ «مکتب مُلکیه» اما مرگی طبیعی نیست، یک قتل عامدانه است که عامل آن کسی نیست به جز شخص رجب طیب اردوغان و دولت ارتجاعی‌اش.

۳. کاری که اردوغان سال گذشته با «مکتب مُلکیه» کرد نشانگر هدف او برای فرونشاندن اعتراضات در محیط‌های دانشگاهی مخالف با توسل به «اتهامات حمایت از تروریسم» بود. این‌بار اما نوبت به دانشگاه بوغازی‌چی استانبول رسیده. اردوغان که اینک با تجاوز نظامی به عفرین و به یمن سکوت تمام نیروهای امپریالیست غرب و شرق و همراهی جهادگرایان ارتش آزاد سوریه در خط مقدم جنگ، خود را در قامت سلطان نوعثمانی پیروز نبرد میدانی می‌بیند و قداره‌کشان نقشه‌های توسعه‌طلبانه‌اش را با هدف فعال‌سازی احساسات و عواطف ملی‌گرایانه برای بهره‌برداری انتخاباتی سال آینده در سر می‌پروراند، بیش از پیش مجهز به توجیهات شوونیستی در جهت سرکوب مخالفان داخلی و به‌ویژه مخالفان جنگ و حمله‌ی نظامی به عفرین شده است.

پس از اعلام پیروزی و برافراشتن پرچم ترکیه و ارتش آزاد سوریه در عفرین که البته به قیمت قتل‌عام مردم بی‌گناه و غارت منازل آن‌ها محقق شد، اردوغان در ترکیه با برگزاری مراسم «جشن عفرین»، چیزی که شبیه به «یادواره‌ی شهدا» در ایران است، به تقدیس جنگ علیه کردهای سوری و ارزش والای شهادت فرزندان ترکیه پرداخت. در یکی از این مراسم که ادعای «خودجوش بودن» آن برای ما یادآور تمام آکسیون‌های خودجوش نیروهای حزب‌اللهی در ایران است، در دانشگاه بوغازی‌چی جمعی از دانشجویان مرتجع و فاشیست در حال پخش «شیرینی» به خاطر پیروزی در عفرین بودند. در این اثنا، جمع دیگری از دانشجویان چپ و سوسیالیست به مخالفت با این اقدام برخاسته و میز پخش شیرینی را واژگون کردند. طولی نکشید که پلیس وارد پردیس دانشگاه بوغازی‌چی و با دانشجویان درگیر شد، چند نفر را درجا دست‌گیر کرد و با شناسایی دانشجویان ظرف چند ساعت به خوابگاه‌ها و منازل آن‌ها هجوم برد. دو روز بعد، اردوغان در یکی از کنگره‌های محلی حزب خود در مورد وقایع دانشگاه بوغازی‌چی چنین گفت: «در استانبول در یک دانشگاه، که لازم نیست نامش را ببرم چرا که خودتان متوجه هستید،

عده‌ای جوان باایمان، ملی و محلی‌گرا دور هم جمع شدند تا به خاطر عفرین شیرینی پخش کنند. در حالی که این جوانان در آن‌جا شیرینی پخش می‌کردند، عده‌ای جوان کمونیست و خائن به وطن اقدام به واژگون کردن میز آن‌ها می‌کنند. این‌ها مشتی جوان تروریست‌اند. فقط این را بگویم که در رابطه با این جوانان تروریست هر کاری لازم باشد می‌کنیم. در این دانشگاه حق تحصیل را از آن‌ها می‌گیریم. دانشگاه جای پرورش جوانان تروریست نیست»^۵.

تاکنون به فرمان اردوغان به ۱۴ خوابگاه و خانه‌ی دانشجویی در استانبول حمله شده، ۲۱ دانشجو بازداشت شده‌اند که ۱۰ نفر از آنان آزاد شده و ۱۱ نفر دیگر هنوز در بازداشت به سر می‌برند.^۶ اردوغان خوب می‌داند که برای سرکوب هرگونه مخالفت باید سراغ دانشگاه‌هایی برود که تاریخاً علیه دولت‌های وقت مواضع رادیکال داشته‌اند و محل تربیت و پرورش نسل‌های جوان مخالف بوده‌اند. بدین ترتیب، پروژه‌های امنیتی-اطلاعاتی علیه دانشگاه‌های مخالف که سال گذشته با اخراج فله‌ای اساتید دانشگاه آنکارا به‌ویژه «مکتب ملکیه» آغاز شد و با حملات گسترده‌ی پلیس ضدشورش به پردیس «جه‌به‌جی» این دانشگاه ادامه یافت، این روزها نیز با تمرکز بر «جوانان کمونیست» دانشگاه بوغازی‌چی استانبول وارد فاز جدیدی شده که هدف از آن پاک‌سازی ریشه‌ای پایگاه‌های مقاومت دانشگاهی علیه ارتجاع اردوغانی است و این موضوع البته که تنها به دولت ترکیه محدود نمی‌شود. هنوز یادمان نرفته که تنها یکی دو ماه پیش دانشجویان مخالف و چپ‌گرای دانشگاه‌های ایران، به‌ویژه دانشگاه تهران و دانشکده‌ی علوم اجتماعی، با چه اتهامات مضحکی دست‌گیر شده و برایشان احکام قضایی سنگین مثل چندین سال حبس و ممنوعیت خروج از کشور صادر شد. دیکتاتورها و حاکمان ترسان از توده‌های مردم، خواه تحت عنوان «عدالت و توسعه» خود را مخفی کنند یا در قبال «اعتدال و تدبیر و امید» تنها چیزی که انصافاً به خوبی می‌دانند دست گذاشتن بر گلو و خفه کردن هر گونه مخالفت و اعتراض اجتماعی است. پس چندان جای شگفتی نیست که دولت‌های نولیبرال عدالت و توسعه و تدبیر و امید تنها با تفاوتی چند هفته‌ای مخالفان و «جوانان کمونیست» و چپ‌گرا را به عنوان اهداف حملات اطلاعاتی-امنیتی خود نشان داده و برایشان خط‌ونشان می‌کشند. تنها تفاوت در این است که دیکتاتوری مثل اردوغان «صداقت دارد» و با صدای بلند می‌گوید که حق تحصیل را از جوانان کمونیست خواهد گرفت و هر کاری لازم باشد برای سرکوب آنان انجام خواهد داد اما شارلاتان‌هایی مثل سردمداران حکومت و دولت ایران از آزادی بیان و حقوق اجتماعی مخالفان صحبت می‌کنند

۵- اینچا ببینید

۶- اینچا ببینید

و روشنفکران ارگانیک‌شان به ماله‌کشی بر اعمال حاکم می‌پردازند.

۴. باید دید پروژه‌ی سرکوب دانشگاه‌ها به طور کلی و دانشگاه‌های خودمختار به طور خاص از جانب اردوغان طی ماه‌های آینده آیا می‌تواند یکی از خودمختارترین دانشگاه‌های ترکیه، دانشگاه فنی خاورمیانه در آنکارا ملقب به اُدتو (ODTÜ) را که شهرتی بین‌المللی دارد به بحران کشانده و آن را صحنه‌ی درگیری بین پلیس ضدشورش و دانشجویان کند یا نه. اتفاقی که چند سال پیش افتاد و رسوایی بزرگی برای شخص اردوغان به همراه داشت، هرچند برای دانشجویان مخالف نیز منتهی به صدور احکام قضایی شد. اردوغان در آن روزها قصد داشت برای افتتاح و سخنرانی در مورد پروژه‌ای وارد این دانشگاه شود که با مقاومت دانشجویان آن مواجه شد و بعد از لشکرکشی پلیس ضدشورش و مقاومت جانانه‌ی دانشجویان نهایتاً عطای سخنرانی در آن‌جا را به لقاییش بخشید و از «اُدتو» گریخت.

۵. تمام این موارد را باید در کنار سیاست جُرم‌انگاری از فعالیت‌های صنفی دانشگاهیان اعم از دانشجویان و اساتید دانشگاه درک کرد تا بتوان به عمق هجوم و سرکوب دانشگاه در ترکیه‌ی عصر اردوغان پی برد. به علاوه، در روزهایی به سر می‌بریم که سخن گفتن از صلح و انتقاد به سیاست‌های تجاوزکارانه‌ی جنگی از سوی مخالفان از دیدگاه حاکم «حمایت از تروریسم» تلقی می‌شود و مجازات آن محرومیت از حقوق اجتماعی و حق تحصیل و پر شدن زندان‌ها از دانشجویان است. بنا بر گزارش دویچه‌وله‌ی ترک تعداد دانشجویان زندانی در ترکیه نزدیک به ۷۰ هزار نفر است (رقم دقیق: ۶۹۳۰۱ دانشجوی). حسین بوغاتکین، یکی از وکلای پیگیر پرونده‌های دانشجویان زندانی چنین گفته: در پرونده‌ی اکثر دانشجویانی که موکلان من هستند، عضویت در «انجمن‌های دانشجویی» موجود در ساختار دانشگاه‌ها دلیل و مدرکی برای عضویت در «سازمان‌های تروریستی مسلح» قلمداد می‌شود. یکی دیگر از «شواهد» هم انجام «رقص هالای» در مراسم نوروز دانشگاه‌هاست. از نظر قانون، «وقتی دانشجویان دستان خود را بالا می‌برند و علامت پیروزی را نشان می‌دهند، شعار سر داده و در کنار آتش اشعار گُردی می‌خوانند در اصل در حال انجام رقص چریکی هالای هستند».^۷

۷- اینجا ببینید





روی پلاکارد نوشته شده است: «شیرینی [برای] اشغال و قتل‌عام محاله»



منڙپوڻ
Manjanigh

